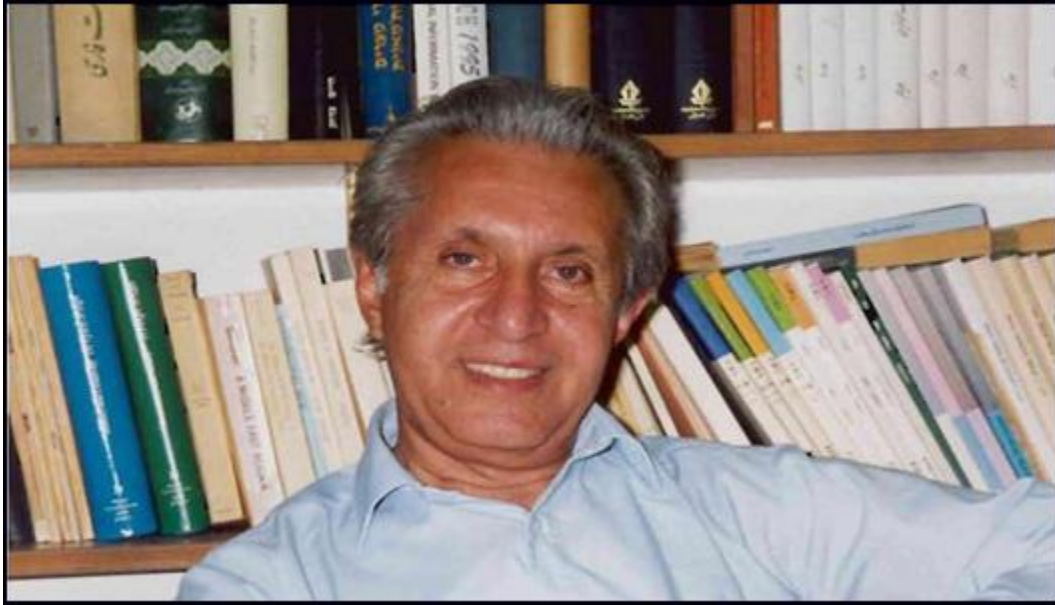


بخش سوم

اماکن مقدس یهودی

در ایران زمین



پروفسور نتصر در این بخش از کتاب  
به شرح اماکن مقدس یهودی  
در خاک ایران می پردازد  
که شمار آن ها در خارج از خاک  
اسرائیل بی نظیر است

گفت و گوی چهارم

## شهر "اصفهان نصف جهان" توسط یهودیان ایران پایه گذاری شد



اصفهان، میراث فرهنگی جهانی و شهری که یهودیان آن را پایه گذاری کردند

پرسش - شما در گفت و گوی پیشین به شهرهای متعددی در مرکز و غرب ایران اشاره کردید که جایگاه شماری از اماکن مقدس یهودی است و تاکید کردید که در خارج از خاک اسرائیل هیچ سرزمینی دیگری وجود ندارد که این گونه مرکز اماکن مقدس یهودی باشد. یکی از شهرهایی که به آن اشاره کردید اصفهان است که جایگاه چندین مکان مقدس یهودی می باشد. لطف کنید و درباره آن ها اطلاعاتی در اختیار علاقمندان قرار دهید.

پاسخ - بله بجاست که ما بررسی اماکن مقدس یهودی در ایران را از شهر اصفهان آغاز کنیم، زیرا واقعیات تاریخی ثابت می کند که اساس و پایه شهر اصفهان را یهودیان گذاشتند. شاید شنیدن این امر برای برخی شگفت انگیز باشد، ولی این یک واقعیت تاریخی است.

این واقعیت در کتب جغرافیا دانان اسلامی نیز ذکر شده است و آن را می توانیم در کتاب اصطخری و ابن حوقل و المقدسی و معجم البلدان نوشته یاقوت بن عبد الله

الحموي بخوانیم. حتی در کتابی ایرانی که به زبان پهلوی میانه نوشته شده و "شهرستانی های اران" (Sharistaniha-i-Eran) نام دارد به این امر اشاره شده که اصفهان توسط یهودیان پایه گذاری شده است.

اصفهان را نخست "یهودیه" می نامیدند و در مورد آن که چگونه یهودیان به این نقطه رسیدند و آن شهر را برپا کردند، داستانی وجود دارد که ممکن است تنها یک روایت باشد، ولی هسته هانی از حقیقت نیز در آن وجود دارد. طبق این روایت، یهودیان که به اسارت بابل برده شده بودند، و آن گروهی که به جای بازگشت به اورشلیم و سرزمین پدری خود، به سوی شرق و خاک ایران به راه افتادند، مقداری از خاک اورشلیم را در کیسه های مختلف ریخته و همیشه با خود به همراه داشتند تا هرگز خاطر میهن از یادشان زده نشود.

آن ها با همین خاک وارد سرزمین ایران شدند و به جستجوی مکانی پرداختند که خاک آن به خاک اورشلیم شباهت داشته باشد و محیطی باشد که آب و هوای آن اورشلیم را به یاد آورد و حتی آب آن طعم آب اورشلیم را بدهد. گویا هنوز یاد آب اورشلیم در ذائقه این به اسارت رفتگان مانده بوده است.

در روایت آمده است که این یهودیان به نزدیکی زاینده رود می رسند و متوجه می شوند که خاکش شبیه خاک اورشلیم و آبش به طعم آب اورشلیم است و همانجا خیمه برپا می کنند. حتی جمله ای را به زبان عبری ولی به خط عربی در کتاب ابن حوقل می بینیم که می نویسد "لَحْنًا تُشْكِنُ هِنَا" به معنی "ما در این جا ساکن می شویم".

در این نقطه بود که یهودیان سکونت گزیدند و به آبادانی پرداختند و بناهایی به سبک معماری آن روزها برپا کردند. شهر به تدریج گسترش یافت و آن مکان را به نام سرزمینی که از آن جا آمده و توسط امپراتوری بابل از آن جا به اسارت برده شده بودند، و به یاد خاستگاه ملت یهود، "یهودیه" نام گذاردند.

بعدها روستاهائی که در نزدیکی این شهر وجود داشت نیز گسترش پیدا کرد و در دوران ساسانیان یک اردوگاه "اسباران" یا "اسب سواران" در آن جا برپا شد که بتدریج به یک نقطه مسکونی غیرنظامی مبدل گردید و آبادی هائی چون "جی" و "شپرستان" که در آن حوالی بودند بزرگتر شدند و به هم چسبیدند و شهر بزرگی به وجود آمد. ولی هنوز هویت این شهر حفظ شده و قسمتی از آن به نام "یهودیه" باقی مانده بود و بخش دیگر "جی" و شپرستان" نام گرفت که این وضع تا حمله عرب به همان حال بوده است. همانگونه که می دانید، مهاجمان عرب در سال ۶۴۱ میلادی اصفهان را به تصرف در آوردند.

موضوع جالبی وجود دارد که آن را به زبان عربی در کتاب "ذکر اخبار اصفهان" جلد اول آن نوشته ابونعیم می خوانیم که در آن آمده است: «یهودیان اصفهان (که منظور او شهر "یهودیه" است) دروازه های شهر را به روی مهاجمان عرب باز می کنند که وارد شوند».

در توضیح این رویداد باید بگوئیم که دوره های پایانی حکومت ساسانیان بر ایران، دوران انحطاط اخلاقی و ظلم و ستم فرمانروایان بود.

این واقعیت تلخ در همه کتاب های تاریخ نیز آمده است و نه تنها به یهودیان و مسیحیان ایران ظلم می شده، بلکه افرادی نیز که از نظر اجتماعی و طبقاتی به گروه پائین تعلق داشتند مورد ستم قرار می گرفتند. مردم ایران از فرمانروایان آخر دوران ساسانیان دل خوشی نداشتند.

یهودیان که دروازه های شهر اصفهان را به روی مهاجمان گشودند، نمی دانستند که با چه افرادی روبرو هستند، تنها هدفشان آن بود که از حکومت ظلم و ستم و زور ساسانیان رهائی یابند.

همه این مطالب را که در کتب تاریخ هم آمده است بیان کردیم که توضیح دهیم چگونه ممکن است افرادی چنین شهامتی را داشته باشند که به پیشواز دشمن بیایند و حتی با طبل و دهل و آلات موسیقی دیگر از او استقبال کنند؟

یهودیان تصور می کردند که "ماشیح" یعنی منجی یهودیان ظهور کرده است که این چنین به استقبال آن ها رفتند. در آن دوران روزنامه یا تلویزیون وجود نداشت که مردم از پیش بدانند چه کسانی قصد ورود به شهر آنان را دارند! هنگامی که انسان با رنج و محنت زیاد روبروست، همیشه در انتظار آمدن افرادی است که او را از این وضع نجات دهند.

همین جریان در کتب تاریخ نیز نگاشته شده که "میلخ ماشیح" (מלך משיח Melekh Mashiah - شاه نجات دهنده) در راه است. یهودیان اصفهان در آن موقع به درستی نمی دانستند که با چه کسانی روبرو هستند و چه در انتظارشان می باشد.

این جا طبعاً پرسیده می شود که چگونه افرادی ممکن است نسبت به آنانی که به شهر آنان حمله برده و قصد تسخیر آن را دارند این گونه دوستانه رفتار کنند؟ پاسخ آن است که این استقبال نشان می دهد که اولاً جمعیت یهودی اصفهان بسیار زیاد بوده و حتی گفته می شود که هفتاد هشتاد هزار یهودی در آن ناحیه زیست می کرده اند و نکته دوم آن که یهودیان زیر آزار و ستم قرار داشتند و راه رهائی می جستند.

هنگامی که اعراب اصفهان را به تصرف درآوردند، حتی اگر دیگر "یهودیه" خوانده نمی شد، نام آن را به "دار الیهود" تغییر دادند. بعدها این نام هم عوض می شود و آن جا را "اسپاهان" می خوانند، که منظور سپاهیان است - گرچه در این مورد همه تاریخ نویسان متفق القول نیستند. این اسم بعدها به صورت اصفهان در می آید.

پرسش - کنجاوی ما را سخت برانگیخته اید و دوباره می خواهیم پرسیم که آیا اصفهان را واقعاً یهودیان برپا کردند؟ مگر آن شهر چقدر یهودی داشت که آن جا را "یهودیه" و بعدها "دارالیهود" نام نهادند؟

**پاسخ -** در این که شهر اصفهان توسط یهودیان برپا گردید، هیچ تردیدی وجود ندارد. این یک واقعیت مستند است. در بسیاری از کتب تاریخ این امر مورد تأیید قرار گرفته و بیشتر به شماری از این کتب و مراجع اشاره کردم. حتی در کتاب "نزهة القلوب" نوشته حمدالله مستوفی قزوینی نیز که خیلی پس از کتاب های قبلی نگاشته شده، این مطلب آمده است.

همه این تاریخ نویسان و محققین تأیید می کنند که پایه گذاران شهر اصفهان یهودیان بوده اند. در این واقعیت کوچکترین تردیدی وجود ندارد. حتی جهانگردان اروپائی که از دوره صفوی و شاه عباس اول و دوم شمار آن ها در ایران زیاد می شود و در دوره نادرشاه نیز آمدن آن ها ادامه داشت، آن ها هم در سفرنامه های خود می نویسند که وقتی به اصفهان می رسند، تأکید می کنند که یهودیان پایه گذار این شهر بوده اند.

این یک واقعیت غیرقابل تردید است و تاریخ نویسان بسیاری آن را تأیید می کنند و جهانگردانی که از پرتغال و فرانسه و انگلستان و غیره، مانند ژان شاردن Jean Chardin جهانگرد فرانسوی، که به ایران آمدند و سپس این مطالب را نوشتند، بی تردید بیشتر آن را نمی دانستند و آن چه نوشته اند شرح مشاهدات آنان در محل است و مردم بومی به آن ها گفته بودند که این شهر را یهودیان پایه گذاری کرده اند.

آرزو می کنیم که اگر روزی در کتاب های درسی ایران تاریخچه اصفهان نگاشته شود، این حقیقت را کتمان نکنند.

**پرسش -** گفتید که یهودیان در جستجوی مکانی که بتوانند در آن جا رحل اقامت افکنند، به زاینده رود رسیدند و آن آب و خاک اصفهان و هوای آن را شبیه اورشلیم یافتند و از این رو آن نقطه را برای اقامت برگزیدند؟ آیا همین حسن انتخاب بود که قرن ها بعد موجب شد که اصفهان پایتخت کشور ایران قرار گیرد؟

**پاسخ -** ممکن است این عوامل در گزینش اصفهان به عنوان پایتخت ایران مؤثر بوده است. شاه عباس اول در اواخر قرن شانزدهم (سال ۱۵۹۷ میلادی برابر ۱۰۰۶ هجری) اصفهان را به عنوان پایتخت خود برگزید. ولی اصفهان در دوران آل بویه نیز مدتی مرکز حکومتی بود. البته ایران در آن دوران ها تکه پاره شده بود و فرمانروایان مختلف در نقاط گوناگون کشور حکمرانی می کردند.

اصفهان از دوران شاه عباس اول تا انقراض خاندان صفوی پس از حمله افغان ها پایتخت محسوب می شد. ولی هنگامی که نادرشاه به پا خاست و افغان ها را بیرون راند، شهر مشهد را به عنوان پایتخت تعیین کرد. احتمالاً دلیل این تغییر نیز آن بود که چون نادر از خراسان برخاسته بود، می خواست در میان اقوام و افراد قبائل خویش زندگی کند. در دوران هائی نیز قزوین و تبریز و اماکن دیگر پایتخت ایران بوده اند.

پرسش - ولی بی تردید در اصفهان بزرگترین آثار تاریخی و مجموعه های هنر و فرهنگ و تمدن ایران قرار دارد.

پاسخ - بله، بیشترین بخش از این آثار هنری مربوط به زمانی است که اصفهان پایتخت بود و به ویژه در دوران شاه عباس اول بود که اکثر این آثار هنری به وجود آمد. احداث میدان شاه و عالی قاپو و مسجد لطف الله و مسجد شاه و غیره، تقریباً هم دوره با او آغاز گردید و در دوره های پس از او تکمیل شد. مدرسه چهارباغ اواخر دوران صفوی ساخته شد. اصفهان به صورتی بسیار زیبا در آمد و من بر این باورم که اصفهان زیباترین شهر ایران است.